



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Legal Review of the Possibility of Forcing People to Inject Vaccines (Corona Virus) in Iran's Legal System

Mohammad Azarnoosh^{1*}, Ali Hassan Kafi¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Islamic Studies, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The right to public health and well-being is one of the inalienable human rights that the government is obliged to provide and its related means. Public vaccination is one of the important tools of this right. Vaccination is mandatory in certain circumstances along with the determination of criminal and civil executive guarantees. In the research, we will investigate the legal possibility of forcing people to inject (coronavirus) vaccine in Iran's legal system.

Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: Mandatory vaccination has a long history and has been observed throughout history in different societies during epidemics. With the emergence of the corona virus in the world and the need to end this dangerous epidemic, various countries of the world, including Iran's legal system, have moved towards the implementation of "compulsory vaccination" mechanisms.

Conclusion: Iran's legal system, in the form of a headquarters called the National Headquarters for Fighting Corona, is responsible for approving and communicating various regulations, including the requirement to inject vaccines. In the meantime, many supporters and opponents have discussed the possibility of this requirement. Opponents of this resolution have cited the powers of the National Headquarters to deal with Corona, the right to freedom, privacy and respect for sovereignty and rejection of compulsory vaccination. Proponents of this issue also point to the principle of welfare and benefit, collective interests, the principle of harmlessness and legal patriarchy, which is also considered the basis of criminalization.

Keywords: Corona; Compulsory Vaccination; Corona Headquarters; Requirement; Injection; Vaccine; Right to Health

Corresponding Author: Mohammad Azarnoosh; **Email:** m.azarnoosh6236@yahoo.com

Received: December 07, 2023; **Accepted:** March 05, 2023; **Published Online:** June 03, 2023

Please cite this article as:

Azarnoosh M, Kafi AH. Legal Review of the Possibility of Forcing People to Inject Vaccines (Corona Virus) in Iran's Legal System. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e8.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق سلامت

بررسی حقوقی امکان الزام اشخاص به تزریق واکسن (کرونا) در نظام حقوقی ایران

محمد آذرنوش^{1*}، علی حسن کافی¹

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حق بر سلامتی و رفاه عمومی یکی از حقوق مسلم بشری است که دولت موظف به تأمین آن و وسایل مربوط به آن است. واکسیناسیون عمومی یکی از ابزارهای مهم این حق است. واکسیناسیون در شرایط خاص همراه با تعیین ضمانت‌های اجرایی کیفی و مدنی الزامی است. در پژوهش به بررسی حقوقی امکان الزام اشخاص به تزریق واکسن (کرونا) در نظام حقوقی ایران خواهیم پرداخت.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: الزام به تزریق واکسن سابقه‌ای طولانی دارد و در طول تاریخ، در جوامع مختلف در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر مشاهده شده است. با ظهور ویروس کرونا در جهان و لزوم پایان دادن به این بیماری همه‌گیر خطرناک، کشورهای مختلف جهان، از جمله نظام حقوقی ایران به سمت اجرای سازوکارهای «واکسیناسیون اجباری» رفته‌اند.

نتیجه‌گیری: نظام حقوقی ایران در قالب ستادی به نام ستاد ملی مبارزه با کرونا، مسئولیت تصویب و ابلاغ مقررات مختلف، از جمله الزام به تزریق واکسن را بر عهده دارد. در این میان، بسیاری از موافقان و مخالفان درباره امکان این الزام بحث کرده‌اند. مخالفان این مصوبه از اختیارات ستاد ملی مقابله با کرونا، حق آزادی، حریم خصوصی و حاکمیت احترام و رد واکسیناسیون اجباری استناد کرده‌اند. طرفداران این موضوع نیز به اصل رفاه و منفعت، منافع جمعی، اصل بی‌ضرری و مردسالاری قانونی اشاره می‌کنند که مبنای جرم‌نگاری نیز محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: کرونا؛ واکسیناسیون اجباری؛ ستاد کرونا؛ الزام؛ تزریق؛ واکسن؛ حق بر سلامت

نویسنده مسئول: محمد آذرنوش؛ پست الکترونیک: m.azarnoosh6236@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Azarnoosh M, Kafi AH. Legal Review of the Possibility of Forcing People to Inject Vaccines (Corona Virus) in Iran's Legal System. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e8.

مقدمه

با پیشرفت دانش در مورد جنبه‌های بیولوژیکی ویروس کووید-۱۹ و تلاش مستمر محققان پزشکی، ساخت واکسن کرونا در نهایت مراحل اولیه ساخت و آزمایشات بالینی را پشت سر گذاشت و با عبور از خطوط تولید انبوه، به آخرین مرحله مجوز تزریق عمومی رسیده است و رویا توسط دولت‌ها و مردم جهان که تولید واکسن کرونا را تماشا می‌کردند، تعبیر شد. بحث ما مربوط به اجبار و اختیار در استفاده از این امکانات بهداشتی است، آیا به طور کلی می‌توان مردم را مجبور به استفاده از این امکانات کرد؟ شرایط این اجبار چیست؟ چه مراجعی صلاحیت قانونگذاری در این زمینه را دارند؟ آیا در این زمینه می‌توان مجازات تعیین کرد یا فقط می‌توان اجرای مدنی و اداری را اعمال کرد؟ مهم‌تر از آن، مبنای این قانون و احیاناً جرم‌انگاری چیست؟ پیشینه قانونگذاری این موضوعات در نظام حقوقی ایران چیست و در نهایت برای اجرای این قوانین به چه ابزارهایی نیاز است و روند اجرایی چگونه پیش می‌رود؟

واکسیناسیون اجباری به جهت مداخله در حقوق و آزادی افراد و نقض حریم خصوصی جسمانی، مخالفان زیادی دارد، در عین حال موافقان در دفاع از واکسیناسیون الزامی به تعبیرات گوناگون و بعضاً مشابهی با تأکید بر تجربه‌های موفق پیشین واکسیناسیون در تأمین سلامت همگانی، لزوم تأمین سلامت و مصلحت عمومی، اصل مراقبت و امنیت بهداشتی، ضرورت احتیاط عمومی و لزوم حفظ نفس از واکسیناسیون اجباری دفاع کردند، در این راستا نظام حکمرانی و حقوقی جمهوری اسلامی نیز دست به تدابیر بازدارنده و سیاست‌های پیشگیرانه‌ای در جهت درمان عمومی و مقابله با شیوع بیشتر این بیماری زد، از جمله آن‌ها الزام به تزریق واکسن کرونا زده و برای این الزام ضمانت اجراهایی مبنی بر محدودیت یا محرومیت افراد از برخورداری از خدمات عمومی و بخشی از حقوق شهروندی خویش از طریق مصوبات ستاد مزبور پیش‌بینی و مقرر نمود. موضوع مبارزه با بیماری‌های واگیر از یکسو به ایمنی و سلامت فردی و از سوی دیگر به امنیت،

سلامت اجتماعی و نظم عمومی مربوط می‌شود، فراوانی ایجاد می‌کند (۱).

از جمله حقوق مربوط به این حوزه می‌توان به حق دریافت مداخلات درمانی و حیات بخش، وظیفه قانونی مستقیم دولت و وظیفه غیر مستقیم اخلاقی برای همه افراد برای حمایت از حق حیات اشاره کرد (۲). قانون اساسی حق بر سلامت و بهداشت عمومی را در اصول ۳، ۲۱، ۲۹ و ۴۳ بیان کرده است. برخی قوانین خاص در شرایط واکسیناسیون بیماری‌های مختلف، مانند آبله در این زمینه در کنار سایر مقررات و مقررات بهداشتی قابل پیش‌بینی است، از سوی دیگر برای پیوستن ایران به سازمان جهانی بهداشت، رعایت مقررات این سازمان نیز در بخشی از مقررات این حوزه و همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های حقوق بشر در خصوص حقوق بشر گنجانده شده است. شهروندان، از جمله مبنای حقوقی حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران، آن را به حساب می‌آورد (۳). پژوهش حاضر با هدف تبیین نظر مختار و پاسخ نهایی به این سؤال که آیا الزام عمومی شهروندان به واکسینه شدن و تضمین انجام عملکردهای مختلف از نظر قانونی است، روشی توصیفی - تحلیلی است. به عبارت دیگر آیا رویه فعلی جمهوری اسلامی ایران در امر تعیین الزامات قانوناً قابل دفاع است یا خیر؟

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که الزام به تزریق واکسن سابقه‌ای طولانی دارد و در طول تاریخ، در جوامع

چنین مصوباتی شد، از سوی دیگر دولت ملی تحت تأثیر پوپولیسم جنایی، تصمیم به جرم‌انگاری این حوزه و تعیین ضمانت‌های اجرایی مدنی و کیفری در خصوص واکسیناسیون اجباری گرفت (۴). از این رو لازم است موضوع انواع ضمانت اجرا و همچنین رویکرد نظام حقوقی ایران به این نهاد حقوقی مورد بررسی قرار گیرد، زیرا موضوع ضمانت اجرا را می‌توان جزء مهم قانونگذاری و موضوع قهری دانست.

۱-۱. نهاد عمومی واجد صلاحیت مدیریت و وضع مقررات و ضوابط: در راستای مقابله با شرایط خاص ناشی از اپیدمی ویروس کرونا، ستاد ملی مقابله با کرونا در اسفندماه سال ۱۳۹۷ بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی با تصویب شورای عالی امنیت ملی، به منظور تحقق، وظیفه مدیریت و مقابله با تهدید اپیدمی کرونا و تأمین منافع ملی و حفاظت از امنیت ملی تعیین شد.

با توجه به جنبه تمثیلی عبارت «از قبیل» در متن اصل فوق‌الذکر، بر این اساس ستاد ملی مقابله با کرونا به عنوان یکی از شوراهای فرعی ذیل شورای عالی امنیت ملی با تفویض اختیارات گسترده از سوی آن نهاد پس از تأیید مقام معظم رهبری به طور موقت تا اتمام بحران همه‌گیری کرونا بنا نهاده شد. همچنین به منظور حمایت و پشتیبانی از تصمیمات ستاد ملی مبارزه با کرونا و اتخاذ تدابیری به منظور تعریف و اجرای صحیح تصمیمات در اواخر اسفندماه سال ۱۳۹۸ و با تصویب ستاد مذکور مقرر گشت که شورایی تحت امر و نظارت شخص رییس‌جمهور با عنوان «شورای پشتیبانی از تصمیمات ستاد ملی مبارزه با کرونا» و با عضویت جمعی از معاونین رییس‌جمهور و برخی مسئولین نهاد ریاست جمهوری تأسیس و زمینه تحقق و اجرای شایسته‌تر صمیمات اتخاذشده را مهیا نمایند و به عبارتی می‌توان از شورای مذکور به عنوان دستیار و واحد اجرای احکام صادره از ستاد نام برد (۵). در اولین جلسه آن نیز تصمیماتی در خصوص اقدامات ضروری مواجهه با بیماری کرونا، از جمله اعلام تعطیلی‌ها، از سوی این ستاد صورت گرفت.

مختلف در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر مشاهده شده است. با ظهور ویروس کرونا در جهان و لزوم پایان دادن به این بیماری همه‌گیر خطرناک، کشورهای مختلف جهان، از جمله نظام حقوقی ایران به سمت اجرای سازوکارهای «واکسیناسیون اجباری» رفته‌اند. نظام حقوقی ایران در قالب ستادی به نام ستاد ملی مبارزه با کرونا، مسئولیت تصویب و ابلاغ مقررات مختلف، از جمله الزام به تزریق واکسن را بر عهده دارد. در این میان، بسیاری از موافقان و مخالفان درباره امکان این الزام بحث کرده‌اند. مخالفان این مصوبه از اختیارات ستاد ملی مقابله با کرونا، حق آزادی، حریم خصوصی و حاکمیت احترام و رد واکسیناسیون اجباری استناد کرده‌اند. طرفداران این موضوع نیز به اصل رفاه و منفعت، منافع جمعی، اصل بی‌ضرری و مردسالاری قانونی اشاره می‌کنند که مبنای جرم‌انگاری نیز محسوب می‌شود.

بحث

۱. بررسی نظام حقوقی حاکم بر مصوبات مربوط به اپیدمی کرونا در ایران: موضوع اصلی در اینجا بررسی واکسیناسیون اجباری است، در حالی که در این زمینه با چالش دیگری نیز مواجه هستیم: صلاحیت ستاد ملی مقابله با کرونا در خصوص مقررات مغایر با قوانین مصوب و جرم‌انگاری در حوزه واکسیناسیون اجباری. به نظر می‌رسد حل این مشکل پیش‌نیاز بررسی واکسیناسیون اجباری در نظام حقوقی ایران باشد. به عبارت دیگر باید گفت که با دو چالش اصلی صلاحیت نهادی و تعارض واکسیناسیون اجباری با حقوق شهروندی مواجه هستیم. در نظام حقوقی ایران، صلاحیت قانونگذاری بر عهده قوه مقننه است، برخی از مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا به وضوح با مصوبات مجلس مغایرت داشت و همین امر موجب شد تا دادگاه‌ها در این زمینه دوگانه عمل کنند. اعمال قانون یا اجرای مصوبات ستاد. به نظر می‌رسد شرایط اضطراری حاکم بر جامعه در دوران شیوع کرونا و انتظاراتی که از سوی دولت برای حمایت اقتصادی از اقشار کم‌درآمد جامعه وجود داشت، باعث تدوین

رفتار متغیر پاندمی Covid-19، از فواید و محسنات وجود چنین نهادی در بدنه تقنینی حکمرانی است. به گفته برخی، کنترل بیماری‌های عفونی نیازمند مداخلات بهداشت عمومی است که اغلب حقوق مردم را نقض می‌کند (۶). این امر اجتناب‌ناپذیر است، زیرا این بیماری‌ها می‌توانند از یک فرد آلوده به افراد دیگر سرایت کنند. به همین ترتیب، درک بهتر معضلات اخلاقی در زمینه پیشگیری، درمان و کنترل بیماری‌های عفونی برای احترام به حقوق فردی و حمایت از عموم ضروری است، در نتیجه تنش اساسی بین حقوق فردی و حمایت از سلامت و رفاه عمومی در پیشگیری، درمان و کنترل بیماری‌های عفونی وجود دارد (۷).

در نظام حقوقی ایران، ستاد ملی مقابله با کرونا، به اخذ صلاحیت از شورای عالی امنیت ملی و با حضور نمایندگان قوای سه‌گانه، اقدام به وضع برخی از تکالیف و تعیین ضمانت اجرا برای آن‌ها نموده است که به نوعی تبعیت از رسالت و کار ویژه حاکمیت در حفظ حقوق اجتماعی و برقراری نظم و امنیت جمعی محسوب می‌گردد. این شیوه از مداخله در حریم خصوصی و حقوق فردی برگرفته از مبانی حقوقی و سیاسی مبتنی بر اقتدارگرایی و پدرسالاری حاکمیتی است که تحت تأثیر مطالبه عوام نیز می‌تواند رنگی از مشروعیت و مقبولیت داشته باشد، هرچند که از نظر حقوقی این مسأله با انتقادات و چالش‌های فراوانی مواجه است (۸).

۱-۲. جایگاه و اعتبار مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا: بر اساس اطلاعات مذکور، ستاد کرونا با توجه به اصل جانشینی در حدود اختیارات تفویض شده از سوی شورا، اعتبار و پشتوانه قانونی مصوبات، یکی از شعب و سازمان‌های تابعه شورای عالی امنیت ملی محسوب می‌شود. ستاد مذکور برابر با اعتبار شورای عالی امنیت ملی است.

با عنایت به اینکه در نظام حقوقی ایران پیرامون ماهیت و جایگاه مصوبات شورای عالی امنیت ملی در سلسله مراتب و هرم هنجارهای حقوق اساسی ایران تبیین مشخصی صورت نگرفته و با التفات به غیر علنی و محرمانه بودن مصوبات این نهاد و عدم انتشار رسمی و مستدل مندرجات تصمیمات شورا،

همچنین در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۸، کارگروهی تحت عنوان «کارگروه مدیریت پیامدهای اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا» با نظارت معاونت اقتصادی رییس‌جمهور و با حضور سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، وزارت جهاد کشاورزی و دستیار ارتباطات اجتماعی رییس‌جمهور تشکیل می‌شود تا با اتخاذ سیاست‌ها و اتخاذ تدابیر لازم، پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت محدودیت فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار به حداقل ممکن برسد.

هرچند با توجه به اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی و صلاحیت ذاتی مجلس شورای اسلامی در امر تقنین و مقررگذاری عمومی مستند به اصل ۷۱ قانون اساسی، و توجهاً به اینکه عبارت منافع عمومی ناظر بر فلسفه و فایده تأسیسی شورای عالی امنیت ملی بوده و اثبات صلاحیت سیاستگذاری از توان آن خارج است و از طرفی مفهوم تهدید به دلیل عدم اثبات تهدیدکننده‌ای ارادی و تهدیدشونده‌ای مقصود، قابل اثبات نیست (همان‌گونه که رسیدگی و مدیریت معضل بیکاری یا بورس از صلاحیت ذاتی این شورا خارج است) و اینکه مفهوم امنیت (بند ۲ اصل ۱۷۶ که با لحاظ شرایط امنیتی گستره صلاحیت شورا را توسعه می‌دهد) نیز مفهومی کلی بوده و نمی‌توان با تمسک بدان از حدود تفسیر مضیق (تفسیر موسع به فلسفه حاکمیت قانون در اعطای صلاحیت‌ها را مخدوش می‌سازد) و اصل عدم صلاحیت خارج شد، لذا صلاحیت خاص تقنینی شورای مزبور و ستاد برآمده از آن قابل نقد ارزیابی می‌شود. در نهایت می‌توان اذعان داشت که مصوبات شورای عالی امنیت ملی ایران، چه دارای جایگاه فراقانونی باشد، چه هم عرض قانون و چه مادون قانون باشد، نمی‌تواند کارکرد ایجاد محدودیت در حقوق و آزادی‌های عمومی را داشته باشد، چراکه این کارکرد، طبق اصل ۷۹ قانون اساسی، اختصاصاً به مجلس شورای اسلامی واگذار شده است (۱۱). نباید از نظر دور داشت که قابلیت پویایی و سرعت در اتخاذ تدابیر راهبردی جهت جلب منافع سلامت عمومی با توجه به تحولات سریع شرایط اجتماعی ناشی از همه‌گیری و

سیاسی به علاوه لزوم تأیید مقام معظم رهبری بر مصوبات این شورا، دلالت بر این نکته دارد که مصوبات این نهاد منزلتی فراتر از مقررات اجرایی و مصوبه‌نامه و آیین‌نامه دارد (۹).

اجمال جمع‌بندی ما از میان نظرات فوق‌الذکر، اختیار دیدگاه اول است، یعنی جایگاه فرادستی نسبت به قوانین عادی و مادون قانون اساسی و موازین شرعی (اصل ۴) و سیاست‌های کلی نظام از این رو ضروری می‌نماید که مصوبات شورای عالی امنیت ملی با هنجارهای مذکور مطابقت داشته باشد. بنابراین نسبت به محورهای سه‌گانه مطروحه در اصل ۱۷۶ قانونگذاری مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند مصوبات شورای عالی امنیت ملی را تغییر داده یا لغو سازد. مستنداً بدین نظر مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا نیز واجد همین وصف هنجارین بوده و جایگاهی مافوق و حاکم بر قوانین عادی را داراست.

بررسی ماهیت ستاد ملی مقابله با کرونا بردازیم و جایگاه این نهاد را در قبال شرایطی که برای قانونگذاری دارد مورد بحث و بررسی قرار دهیم. ستاد ملی مقابله با کرونا، به عنوان نهادی موقت و اضطراری تشکیل شده و جایگاهی در قانون اساسی ندارد، هرچند منشأ این نهاد، برگرفته از اختیارات قانونی است، ولی به نظر می‌رسد که باید اعتبار مصوبات ستاد را با توجه به جایگاه آن در شرایط خاص ایجادشده مورد بررسی قرار داد.

بررسی این مسأله از گذر قوانین و مقررات جاری کشور، آشکار می‌سازد که دولت در انتخاب چارچوب حقوقی مناسب در نبرد با این بیماری، می‌توانست بیش از این پیرو مقررات اساسی و عادی باشد و به جای ایجاد ستاد ملی مبارزه با کرونا تحت مصوبات شورای عالی امنیت ملی، از ظرفیت‌های سازمان مدیریت بحران و قانون مربوطه و نیز حکم اصل ۷۹ قانون اساسی، استفاده نماید. مدیریت شرایط خاص ناشی از همه‌گیری کرونا، دارای دو بُعد اجرایی و تقنینی است: در بُعد اجرایی، سازمان مدیریت بحران کشور صلاحیت دارد؛ در بُعد تقنینی که موضوع آن برقراری محدودیت‌های ضروری است، مجلس شورای اسلامی پس از پیشنهاد از سوی دولت، دارای صلاحیت تصمیم‌گیری است و این همان رویه‌ای است که دولت می‌بایست انتخاب می‌کرد (۱۰).

قضاوت پیرامون جایگاه واقعی این مصوبات در نظام حقوقی ایران قدری مشکل می‌نماید، لذا به نظر می‌رسد که باید از جنبه صلاحیت حقوقی ستاد ملی مقابله با کرونا به موضوع توجه کنیم و نظریات موافق و مخالف در این حوزه را تبیین نماییم.

سه نظر در مورد وضعیت مصوبات شورا:

۱- بر اساس یک دیدگاه، مصوبات شورای عالی امنیت ملی در جایگاهی فراتر از مصوبات و قوانین عادی سایر نهادها و فراتر از قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام است (با توجه به اینکه تعیین دفاعی - سیاست‌های امنیتی کشور منوط به انطباق در محدوده سیاست‌های کلی است که در بند ۱ اصل ۱۷۶ توسط مقام رهبری تعیین شده است) و ماهیت سند بالادستی به عنوان یکی از محدودیت‌های قانونی در آن تلقی می‌شود. علاوه بر موازین شرعی و قانون اساسی. دلیل اصلی این برداشت و تفسیر، اجرای تصمیمات شورا از سوی رهبری و «حکومت» تلقی شدن آن در اقتدار مطلق امور است.

۲- به نظر برخی دیگر از حقوقدانان، اعتبار مصوبات شورای عالی امنیت ملی، در حدود وظایف محوله به موجب اصل ۱۷۶ همسنگ با قوانین عادی موضوعه مجلس شورای اسلامی است. عمده دلیل این نظر لزوم به تأیید مقام رهبری رسیدن این مصوبات است که طبیعتاً با توجه به وظیفه تنظیم روابط قوا با یکدیگر توسط رهبری از سوءاستفاده‌ها و تجاوزات به حریم صلاحیت سایر قوای سه‌گانه جلوگیری به عمل آمده و همچنین حضور رؤسای قوای سه‌گانه به عنوان اعضای حقیقی این شورا تضمین‌گر اشراف قوای دیگر بر فرآیند تصمیمات اتخاذی شورای عالی امنیت ملی است.

۳- دیدگاه دیگر آن است که مقررات و مصوبات به عمل آمده از سوی شورای عالی امنیت ملی به منزله مقررات اجرایی و در مرتبه نازل‌تر از قوانین عادی تلقی می‌شود، اما این نگاه مورد اشکال جدی به نظر می‌رسد از آن جهت که ضرورت تعبیه شورای عالی امنیت ملی به مثابه یک نهاد تقنینی در بازنگری قانون اساسی مغایر با فرض شأنیت قانونگذاری در حد مقررات اجرایی است، ضمن آنکه حضور رؤسای قوا و سران عالی نظام

مسئول مدیریت بحران با انتقاد جدی، از جمله شورای عالی مدیریت بحران، بحران ملی مواجه است (۱۰).

از سوی دیگر برخی معتقدند این مصوبه دارای اعتبار قانونی کامل است و بلافاصله به تمامی دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد و در سال‌های گذشته بر اساس اصل آزادی قراردادهای، مالکان مبالغ گزافی به اجاره‌بها اضافه می‌کردند که باعث افزایش می‌شد. در تعارض طبقاتی و فشار بیشتر بر مستأجران به دلیل عدم افزایش درآمد مستأجران متناسب با این هزینه‌ها، اما با مصوبه اخیر، قدرت فشار بر مستأجران توسط موجر محدود شده است و این امر در ویژه کشور حائز اهمیت است. وضعیت کرونا و گامی مثبت در جهت فقرزدایی تلقی می‌شود و قوه قضاییه به سرعت مصوبه اخیر را مبنای امور قضایی قرار داده و رسمیت بخشیده است. این افراد معتقدند ترکیب ستاد انصافاً نهادهای مختلف را در تصمیم‌گیری‌های این حوزه دخالت داده و به نوعی به مصوبات این ستاد مشروعیت قانونی بخشیده است. از طرف قوه قضاییه دادستان کل کشور در ستاد حضور داشت و از قوه مقننه نیز یکی از فقهای شورای نگهبان به عنوان نماینده این قوه در این نهاد کوچک اقدام نظارتی خود را انجام می‌دهد. اگر این ستاد کاملاً متشکل از چند نهاد یا یک مرجع خاص بود، به دلیل تعدد نهادهای مسئول و مرتبط حاضر در تصمیم‌گیری، به روش قانونگذاری آن ایراد می‌شد، اما در شرایط فعلی در محدوده اختیارات محوله می‌توان اقدامات تقنینی ستاد را قانوناً مشروع دانست.

در پاسخ باید گفت که هر نوع مداخله و هر نوع اقدام حمایتی که با حضور افرادی از نیروهای مختلف صورت می‌گیرد، لزوماً نمی‌تواند وصف نهادهای مرجع را داشته باشد. به عبارت دیگر اعطای مجوز به سازمان‌های اورژانس برای انجام اقدامات حاکمیتی خلاف اصل است و مجوز قانونی در این زمینه وجود ندارد و در نهایت منجر به یک توالی فاسد در آینده می‌شود و به عنوان رویه‌ای تلقی می‌شود که این موارد فوق‌العاده را مجاز می‌کند. ستاد برای وضع قوانین بیشتر، مداخلات غیر قانونی خواهد کرد، اما نباید فراموش کرد که شرایط و موقعیت‌های حاکم بر شیوع بیماری کرونا به ندرت پیش می‌آید و تنها با

مدیریت شرایط خاص ناشی از اپیدمی کرونا هم مستلزم استفاده از ظرفیت قانون مدیریت بحران کشور است و هم در صورت وجود الزاماتی برای محدود کردن حقوق و آزادی‌های مردم، اعلام وضعیت اضطراری ضروری است. مطابق اصل ۷۹ قانون اساسی در قالب قانونی در خصوص ایجاد محدودیت‌های لازم. بر اساس لایحه دولت و مصوب شورای اسلامی، قبل از اعمال محدودیت‌ها، متن کامل و مشروح محدودیت‌های لازم همراه با توجیه‌های لازم برای بررسی به مجلس ارائه می‌شود. در تبصره این ماده نیز آمده است که در صورت اعمال محدودیت از سوی دولت بدون مجوز، رئیس مجلس نمایندگان موظف است پیش‌نویس لایحه محدودیت را به رئیس‌جمهور تقدیم کند. در این راستا حق تحقیق یا برکناری رئیس‌جمهور و وزرا برای نمایندگان محفوظ خواهد بود (۱۱).

عدم رعایت صلاحیت‌های تقنینی و عدم توجه به مراحل وضع قانون و نیز چشم‌پوشی از برخی نظارت‌ها توسط نهادهای مختلف دخیل در موضوع تصویب مقرر ستاد ملی مقابله با کرونا مسأله‌ای است که از جهت حقوقی و فنی قابل توجه بوده و در نتیجه می‌توان این اقدام را واجد چالش صلاحیتی دانست. به عبارت دیگر، اگرچه رئیس‌جمهور و دولت اقدام به این عمل تقنینی کرده است، ولی نهاد ناظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی باید نسبت به این خروج صلاحیتی واکنش نشان داده و مسیر قانونی شدن آن را فراهم می‌آورد.

شرایط خاص ناشی از اپیدمی کرونا دو بعد بحرانی و اضطراری دارد و از این منظر سازمان مدیریت بحران در امور اجرایی و مواردی که مستلزم محدودیت حقوق و آزادی‌های عمومی است، اختیار دارد. بر اساس اصل ۷۹ قانون اساسی، لازم است دولت لایحه لازم را به شورای اسلامی شهر تقدیم و بر اساس مصوبه و نظر تقنینی شورا اقدام کند. بر این اساس از یکسو تشکیل ستاد ملی مقابله با کرونا توسط شورای عالی امنیت ملی و اعطای اختیارات به این ستاد برای رسیدگی به شرایط خاص ناشی از کرونا و از سوی دیگر، اقدامات دولت تصمیم فاقد عمل است و شورای اسلامی در این زمینه و از سوی دیگر نظارت انفعالی بر نهادها بر اساس قانون مدیریت بحران کشور،

می‌تواند موجب مشروعیت بخشی به نهادهای موقت و اضطراری مانند ستاد ملی مقابله با کرونا باشد.

۳-۲. امکان جرم‌انگاری به دلیل عدم رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی توسط ستاد کرونا: نماد دخالت حقوق کیفری جرم است. قانونگذار کیفری با جرم‌انگاری رفتار، به قانون کیفری اجازه می‌دهد که در آن رفتار دخالت کند. جرم‌انگاری فرآیندی است که در آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه، فعل یا ترک فعلی را ممنوع کرده و ضمانت اجرای کیفری را وضع می‌کند (۱۳). جرم‌انگاری تصمیم مقام ذی‌صلاح برای منع یا الزام رفتاری است که به دلیل تخلف از آن مجازات می‌شود. بنابراین اساس جرم‌انگاری ایجاد محدودیت در رفتار و آزادی افراد است.

به زعم برخی صاحب‌نظران، اعمال محدودیت‌های ضروری در حقوق و آزادی‌های عمومی مردم از صلاحیت و توان قانونی شورای عالی امنیت ملی خارج است و فرض استدلال موصوف چنین می‌باشد که شورای عالی امنیت ملی صرفاً به عنوان نهادی که سیاست‌های کلی راهبردی در راستای حفظ امنیت کشور را تأمین می‌کند، صلاحیت تقنین ابتدایی نداشته و از جانبی با توجه به در مقام بیان‌بودن قانون اساسی و اصل عدم صلاحیت‌ها در حقوق عمومی و نظر به اینکه قانون اساسی برقراری محدودیت‌های ضروری را تنها بر اساس اصل ۷۹ مورد پذیرش خود قرار داده است، این صلاحیت از شورای مزبور به دور از دیده انصاف می‌نماید و بالمآل حق حاکمیت مردم و حق تعیین بر سرنوشت چنین اقتضا دارد که با تصویب مجلس برآمده از نمایندگان مردم و اجرای دولت این محدودیت‌ها اعمال گردد (۱۱). همچنین مجازات‌های نقدی را در فرض خود لحاظ می‌کند و آن را از صلاحیت ستاد ملی مبارزه با کرونا مستثنی می‌کند.

حق بر سلامتی یکی از حقوقی است که مورد توجه طرفداران واکسیناسیون اجباری قرار گرفته است. این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌ها و نظریه کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است (۱۴). این حق عمومی است و

رعایت برخی اصول قانونی و تنها با رعایت سلسله مراتب حاکمیتی و توجه به مسائل و مشکلات حل نمی‌شود.

به عقیده برخی اقدامات دولت برای پیشگیری از بیماری از جمله واکسیناسیون اجباری باید با رعایت شرایط زیر انجام شود: ۱- اصل حاکمیت قانون: کلیه اقدامات دولت به ویژه در اجرای مداخلات درمانی اجباری برای بیماران کووید-۱۹ باید بر اساس قوانین و مقررات باشند و هرگونه سلیقه و علاقه شخصی ممنوع است؛ ۲- نظارت قضایی: این نظارت برای جلوگیری از سوءاستفاده درمانی و همچنین جلوگیری از نقض حقوق بشر و سهل‌انگاری در روند درمان ضروری است؛ ۳- جبران خسارات وارده: به صورت معقول و منطقی و البته با نظر دادگاه و کارشناسان باید خسارت وارده جبران شود و تا حد امکان وضعیت به حالت قبل از واکسیناسیون برگردد؛ ۴- تأمین حداقل نیازهای ضروری: امکانات و ابزار لازم برای واکسیناسیون باید فراهم شود و در صورت نیاز به سایر امکانات مانند مرخصی و تأمین هزینه‌های زندگی، موارد مزبور نیز باید تأمین گردد (۲). همچنین لازم است دولت‌ها قبل از اقدام به واکسیناسیون، اقدامات لازم و ضروری دیگری را در خصوص پیشگیری و اقدامات متقابل انجام داده باشند تا واکسیناسیون را به عنوان یک اقدام تکمیلی فرض کنیم، نه اینکه اقدامات دیگری انجام نشده باشد. فقط توسل به واکسیناسیون اجباری راه حل نیست. به نظر می‌رسد این شرایط برای انجام کلیه مداخلات اجباری بهداشتی ضروری است. در بحث واکسیناسیون اجباری باید مشروط بپذیریم که اجباری است و نمی‌توان آن را با قطعیت پذیرفت یا رد کرد (۱۲).

به نظر نگارنده جایگاه ستاد ملی مقابله با کرونا، هرچند از نظر قانونی مستقر و بدون اشکال نیست، ولی از جهت سیاسی و اجتماعی و عرف حاکم بر اجتماع کاملاً منطقی است و قابل دفاع می‌باشد. قانون وقتی برای شرایط اضطراری راه حلی پیش‌بینی نکرده است. بنابراین نباید انتظار اجرای همیشگی و عدم تخطی را داشته باشد. قانونگذاری قوه مقننه برای شرایط عادی و غیر از شیوع بیماری کرونا بوده و این راه حل‌های قانونی در شرایط حاضر پاسخگو نیست. بنابراین ضعف قانون،

در واقع باید بگوییم که مردسالاری قانونی در جرم‌انگاری گاهی بدون توجه به آرا و افکار عمومی صورت می‌گیرد و این بدان معناست که افراد جامعه با جرائم و مقررات کیفری مواجه می‌شوند که شاید از نظر آن‌ها ضروری نباشد، اما هیأت حاکمه از آنجا که ایدئولوژی حاکم بر آن چنان عمل کرده است که گویی پدری برای فرزند صغیر خود بدون توجه به مصالح و سخنان او عمل می‌کند، هرچند این موضوع همیشه زیان‌آور و غیر اخلاقی نیست، زیرا برخی مکاتب به حکومت اعیان و اشیا معتقدند، چنین است و البته در مواردی نیز می‌توان نظریه آن‌ها را پذیرفت، باید گفت که نظر کاملاً صحیح و منطقی دارند (۱۸).

نهاد شورای امنیت را نمی‌توان فاقد این صلاحیت در قانونگذاری و جرم‌انگاری دانست، چه اینکه صلاحیت قانونگذاری در سه زمینه اصل ۱۷۶ از نظر حدود تفویض اختیار برای این شورا و نهادهای فرعی آن ثابت است. به اعتقاد عده‌ای، بر اساس اصل قانونی بودن مجازات‌ها طبق قانون شورای اسلامی، برابر اصل ۳۶ قانون اساسی، هرگونه تصویب و اعمال احکام، مقررات و مجازات‌های جدید در صلاحیت انحصاری جمهوری اسلامی ایران است.

اعمال واکسیناسیون اجباری بر اساس مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۳ قانون مجازات اسلامی، برخی از این محدودیت‌ها برای افراد مجازات محسوب می‌شود و طبق قانون باید مجازات آن در مجلس اجرا شود و ستاد ملی نیز در تغییر آن دخالت دارد. قوانین موجود، یعنی اعمال مجازات از سوی نهادهای غیر از قانونگذار مغایر با اصول قانونی بودن جرم و مجازات است، از سوی دیگر با فرض تفویض اختیار به شورای امنیت و ستاد ملی برای مقابله با کرونا، موضوع جرم‌انگاری در این حوزه باید کارشناسی شده باشد، یعنی صحت استدلالی که می‌گوید عدم واکسیناسیون خطرناک است، باید ثابت شود. این روش جرم‌انگاری که هم خلاف اصول قانونی است و هم بر اساس مقررات علمی نیست، ثابت شده است. نمی‌تواند مبنایی برای تعیین اعمال مجرمانه و الزام واکسیناسیون باشد (۱۹).

اصل ۳۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن فقط باید از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون

دولت برای انجام وظایف خود باید به آن احترام بگذارد. اصل دیگر، اصل مردسالاری قانونی است که بیشتر در حوزه حقوق جزا مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این اصل، شخص نه تنها نمی‌تواند به خود آسیب برساند، بلکه نباید به دیگران نیز آسیب برساند. در اینجا دولت نیز مانند پدری که نقش ولایت و سرپرستی دارد، باید رویکرد قیم را در پیش گیرد و از آسیب به دیگران جلوگیری کند. در این مقام، دولت صد در صد بهتر از شهروند منفعت شهروند را می‌شناسد و درک می‌کند (۱۵). به همین دلیل است که از ادله حق بر سلامتی و اصل پدرسالاری برای اجباری‌شدن واکسیناسیون استفاده می‌شود. رویکرد مردسالارانه به جرم‌انگاری، البته مشروط به احراز شرایطی است که ضرورت و مشروعیت این عمل را اثبات می‌کند. با وجود ناشناخته‌بودن ابعاد بیماری کرونا، نمی‌توان وظایف و اختیارات دولت را در این زمینه به طور قطعی اثبات کرد و صرفاً جرم‌انگاری را تجویز کرد (۱۶).

«پدرسالاری» از کلمه «پدر» گرفته شده است که به معنای «مثل پدر رفتار کردن» یا «با شخص دیگر مانند فرزند رفتار کردن» است، یعنی بدون رضایت و اجبار به نفع دیگران عمل کنید. پدرگرایان منافع مردم، از جمله زندگی، سلامتی و آسایش را بر آزادی آن‌ها ترجیح می‌دهند. پدرسالاری به طور برجسته و بحث‌برانگیزی در حوزه حقوق کیفری مطرح است، به این معنی که این نظریه در نظام حقوقی ایران قابل قبول و توجیه کامل نیست. پدرسالاری در جرم‌انگاری بیشتر در حکومت‌هایی دنبال می‌شود که به نوعی استبداد یا اصول خشک قانونی یا مذهبی و حتی اقتصادی پایبند هستند، مانند حکومت‌های کمونیستی در قرن اخیر یا حکومت‌های مذهبی در قرون وسطی. در این نوع حکومت، مردسالاری به شکل واقعی ظاهر می‌شود. این اصل در واقع نقطه مقابل اصل ضرر است که در آن دولت سعی می‌کرد بیشترین آزادی را به مردم خود بدهد و تعالی و کمال را به آن‌ها بسپارد. این اصل و مبنا، یعنی مردسالاری، ممکن است در دنیای بدوی و توسعه‌نیافته کارساز باشد، اما در جامعه‌ای که می‌خواهد با فرهنگ بالا به رشد و توسعه همه‌جانبه دست یابد، قطعاً نتیجه‌ای جز نارضایتی از حکومت نخواهد داشت (۱۷).

نتیجه‌گیری

شیوع ویروس کرونا در اقصی نقاط جهان، از جمله ایران بستری برای بسیاری از تحولات شد. یکی از این تحولات مهم الزام شهروندان به واکسیناسیون عمومی بود. در این میان گروه‌ها و گروه‌های مختلف مردم در سراسر جهان، از جمله ایران با این امر مخالفت کردند. دولت ایران نیز با ایجاد نهادی ویژه و جدید به نام ستاد ملی مبارزه با کرونا که مسئولیت تصویب و ابلاغ مقررات در زمینه مقابله با ویروس کرونا و تهدیدات ناشی از آن را بر عهده داشت، این اقدام را انجام داد. مخالفان وجود چنین نهادی با اختیارات قانونگذاری گسترده را غیر قانونی و مغایر با ساختار قانونی جمهوری اسلامی دانستند. تعارض با حقوق شهروندی مانند حق آزادی، حق تعیین سرنوشت، حق حریم خصوصی و سایر حقوق فردی از مهم‌ترین اسناد مخالفان این روش درمانی است.

در این تحقیق ثابت شد که ستاد مذکور یکی از مصادیق شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی بوده و پشتوانه قانونی آن در امور قانونگذاری اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. از این رو ستاد ملی مبارزه با کرونا با اخذ اختیارات گسترده از شورای عالی امنیت ملی، اقدام و آیین‌نامه مربوط به ویروس کرونا و پیامدهای نامطلوب آن، از جمله وضع مقررات الزام تزریق واکسن را به تصویب رسانده است. در سطح کشور و علاوه بر آن اصل «قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها» را نفی نمی‌کند. از سوی دیگر باید گفت که این قانون برای شرایط عادی وضع شده و شرایط اضطراری مانند شیوع بیماری کرونا و صدمات ناشی از آن را نمی‌توان شرایط لازم‌الاجرا برای این قوانین در نظر گرفت. بنابراین قانونی‌شدن و جرم‌انگاری عدم واکسیناسیون از نظر مبانی حقوقی مانند اصل بی‌ضرری، اصل رفاه و منفعت اجتماعی و سایر اصولی که مبنای جرم‌انگاری در این حوزه‌ها است، به عنوان یک موضوع فوق‌العاده قابل قبول است.

بنابراین سلسله اقداماتی که آزادی‌های عمومی را محدود می‌کند، برابر قانون و مصوبات ستاد کرونا و شورای عالی امنیت است که در اجرای اصل ۱۷۶ قانون اساسی برای مقابله

باشد» و قانون از زبان اصول قانون اساسی با استناد به اصل اول و ذاتی صلاحیت عمومی مجلس در قانونگذاری به معنای عام از قوانین عادی مصوب شورای اسلامی استفاده شده است. بر این اساس، رعایت ماده ۲۲ در ممنوعیت اعمال مجازات و جزای نقدی به عنوان روش متداول الزام‌آور واکسیناسیون عمومی موضوعیت خواهد داشت، نتیجه آنکه با توجه به اطلاعات فوق در خصوص اثبات صحت فرض قانونی ستاد ملی مقابله با کرونا و درج آن مصوبات در موارد «مجازات» به منظور اعمال کلمه «قانون» در ماده ۳۶، احراز و اجرای جرائم نقدی در صلاحیت ستاد ملی کرونا است. تحکیم حقوق ملت در مقابل دولت و حفظ نظم عمومی بر اساس اطلاعات قبلی دستگاه حاکمیتی و این مهم با دستورات اضطراری و موقت ستاد کرونا نیز اخذ می‌شود.

تعارض در نظام حقوقی ایران بین اصول قانونی‌بودن جرم و مجازات، قبح عقاب ناگفته و اصول قانون اساسی (اصل ۳۶) با آیین‌نامه‌ها و تدابیر ستاد ملی مقابله با کرونا قابل حل است. با ذکر این دلایل:

۱- شرایط اضطراری و غیر عادی مستلزم تدابیر ویژه و مقررات روادید است که با تشریفات قانونی و تدابیر قوای مقننه امکان‌پذیر نیست و این به معنای تضییع حقوق جامعه و افراد است؛

۲- ستاد ملی مقابله با کرونا بر اساس اصول مردسالاری قانونی آن را جرم‌انگاری کرده است که این وظیفه و اختیارات دولت است که توسط این نهاد اعمال می‌شود؛

۳- مجازات‌های تعیین‌شده در آیین‌نامه ستاد ملی مبارزه با کرونا از مجازات‌های اصلی در قانون مجازات اسلامی محسوب نمی‌شود و به عنوان مجازات‌های اداری و جزای نقدی مالی پیش‌بینی شده است و این موضوع می‌تواند آیین‌نامه ستاد ملی مقابله با کرونا را اصلاح کند. مقابله با کرونا در رابطه با اصل قانونی، جرم و مجازات محسوب می‌شود.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

با تهدیدات با توجه به مفاهیم مطرح شده در نظام‌های حقوقی جهان در خصوص حق بر سلامت و امنیت عمومی که در اسناد بین‌المللی و داخلی با توجه ویژه به آن پرداخته شده است، به این نکته پرداخته‌ایم که دولت در زمینه ارتقای حق بر سلامت و حمایت تعهداتی دارد. بهداشت عمومی و ایجاد محدودیت در حقوق و آزادی‌های معمول شهروندان و سلب برخی از اختیارات آنان در شرایط اپیدمی کرونا بر اساس مؤلفه حفظ سلامت عمومی و حق بر سلامت شهروندان، کاملاً موجه و منطقی به نظر می‌رسند. از سوی دیگر، اصول و ریشه‌های نیاز واکسن که بهترین و مؤثرترین راه مقابله با این بیماری و کاهش پیامدهای منفی آن است، به گفته کارشناسان و متخصصان حوزه پزشکی مورد توجه قرار گرفته است. مرجع تقنینی علاوه بر حقوق مذکور، قاعده پیشگیری از آسیب احتمالی را نیز می‌توان مبنای چنین الزامی و سلب حق انتخاب شهروندان ذکر کرد، زیرا انتشار چنین ویروسی منطبق بر اصل توهین به مقدسات است. در نهایت، هدف اصلی از تزریق اجباری واکسن، شکست ویروس کرونا و به حداقل رساندن پیامدهای آن است. در نهایت با بررسی و ورود مصادیق به مجموعه‌ای از مصوبات ستاد کرونا و بخشنامه سازمان اداری و استخدامی کشور در زمینه واکسیناسیون اجباری، چهره قانونی محدودیت‌های قابل اعمال در سطح کشور به وضوح روشن شد.

البته لازم به ذکر است که تجویز واکسیناسیون اجباری منوط به رعایت اصول و پیش نیازهای دولتی است که عبارتند از: حفظ حریم خصوصی، کسب رضایت آگاهانه، تهیه اقدامات پیشگیرانه و ابزارهای مربوطه و همچنین جبران خسارات و خسارات احتمالی. ناشی از واکسیناسیون که می‌تواند به افراد آسیب جسمی وارد کند، اما طبق نظام حقوقی ایران، واکسیناسیون اجباری به صورت مشروط پذیرفته شده و امکان رد یا قبول مطلق آن وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

محمد آذرنوش: راهنمایی و نظارت بر تألیف مقاله.

علی حسن کافی: جمع‌آوری داده‌ها و نگارش مقاله.

References

1. James D. Controlling the Spread of Infectious Diseases: in *Advancing the Right to Health: The Vital Role of Law*. New York: WTO Press; 2018. p.159-160.
2. Khosravi H. Human rights dimensions of optional or mandatory therapeutic and life-saving interventions for covid-19 patients. *Legal Research Quarterly*. 2020; 23(1): 387-412. [Persian]
3. Saeedi Tehrani S, Bahmani F, Faruzandeh M, Hashemi A. Ethical Considerations in the Implementation of General Vaccination of Covid-19. *Journal of Ethics and Medical History of Iran*. 2021; 1(14): 231-244. [Persian]
4. Gazrani M. Legal solutions for applying health guidelines and punishing people who violate relevant laws in curbing the spread of the Corona disease in international law. *Qonun Yar Legal Research Journal*. 2021; 12(3): 77-99. [Persian]
5. Khalili Shojaei F, Annabi A. The position and validity of the approvals of the National Headquarters to fight against Corona in Iran's legal system. *Science and Advocacy Quarterly*. 2019; 3(2): 107-122. [Persian]
6. Panagopoulou F. Mandatory vaccination during the period of a pandemic: Legal and ethical considerations in Europe. *Bio Tech*. 2021; 10(4): 116-128.
7. Phuat K. Phua Ethical Dilemmas in Protecting Individual Rights versus Public Protection in the Case of Infectious Diseases. *Infectious Diseases: Research and Treatment*. 2013; 6(1): 1-5.
8. Maarif G, Hassan A. Principle of patient autonomy in Islamic medical ethics based on Quranic teachings. *Journal of Contemporary Islamic Studies*. 2020; 2(1): 39-51. [Persian]
9. Moghdisi M, Akbari E. The legal position of the Supreme National Security Council's approvals in Iran's constitutional law system. *Public Law Studies Quarterly*. 2018; 4(1): 873-893. [Persian]
10. Ghorbania A. Review of the legal foundations, structure and competencies of the National Headquarters to fight against Corona from a legal point of view. *Tehran: Interdisciplinary Research in Management and Humanities Press*; 2021. p.7-11. [Persian]
11. Henjani M. Legal analysis of restrictions imposed by the Corona epidemic in Iranian law. *Research of Competent Authority*. 2021; 2(7): 225-245. [Persian]
12. Bijani B, Amininia A. Review of legal articles and legal principles related to the Corona disease in international law. *Studies Journal*. 2021; 15(1): 21-41. [Persian]
13. Aghababaei H. Jurisprudential discourse and criminalization in the field of crimes against the security of the nation and the state. *Jurisprudence and Law Magazine*. 2005; 5(2): 9-42. [Persian]
14. Pieters D. *Social Security an Introduction To The Basic Principles Netherlands*. Hague: Kluwer Law International Publication; 2016. p.85-86.
15. Qane I. Confronting the right to health with other municipal rights, emphasizing the duty of the municipality in preventing the spread of human sarcoid diseases. *Treaty Legal Research*. 2019; 5(2): 109-142. [Persian]
16. Savulescu J, Pugh J, Wilkinson D. Balancing incentives and disincentives for vaccination in a pandemic. *Nature Medicine*. 2021; 27(1): 1500-1503.
17. Schabas W. *The European Convention on human rights; commentary*. Oxford: Oxford University Press; 2015. p.46.
18. Smith T. *Vaccine Rejection and Hesitancy: A review and call to action*. *Open Forum Infectious Diseases*. 2017; 4(3): 170-190.
19. Qorchi M. Analyzing the criminalization of abandoning the act in opposition to the two principles of self-control and welfare. *Research Journal of Islamic Law*. 2019; 1(20): 195-216. [Persian]